



گفتمان سازی غرب در بهره‌گیری از

اتهام تروریسم دولتی علیه جمهوری اسلامی ایران

حسین امانلو*^۱

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از اتهاماتی که بارها علیه جمهوری اسلامی ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفته، حمایت از گروه‌های تروریستی و تروریسم است که با نشانه‌هایی چون صدور انقلاب، تسخیر لانه جاسوسی، حمایت از نهضت‌های اسلامی، حمایت از سوریه و نیز پیگیری سیاست‌های هسته‌ای بازنمایی می‌شود. بر این اساس، غرب و به ویژه امریکا با تکیه بر قدرت و بهره‌گیری از ابزار رسانه‌ای به تثبیت گفتمانی دروغین به نام «تروریسم دولتی» علیه جمهوری اسلامی ایران همت گمارده است. این مقاله در چارچوب نظریه «گفتمان» و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به بررسی اتهامات وارده بر جمهوری اسلامی ایران در مقوله تروریسم، به‌ویژه تروریسم دولتی پرداخته است. مفروض نوشتار حاضر این است که ماهیت و سرشت اسلامی - انقلابی و استکبارستیز و راهبردی شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی ایران، دلیل پیدایش گفتمان یاد شده می‌باشد که در ابعاد اتهام و تهاجم نظامی، فرهنگی و اقتصادی ظهور یافته است.

^۱. دکترای تخصصی

مقدمه

تروریسم از مفاهیمی به‌شمار می‌رود که بررسی و مطالعه علمی آن با مناقشاتی زیاد و همواره با نوعی بحران معنا مواجه است. بحث‌ها، تعاریف و رویکردهای موجود در نظریه‌های تروریسم چارچوبی بین رشته‌ای را به‌استخدام در می‌آورد تا از زوایای علوم مختلف همچون علوم سیاسی، حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روابط بین‌الملل به آن نگریسته شود. گونه‌شناسی تحول در مقوله تروریسم در عرصه بین‌الملل در قرن ۲۱، به دلیل پیچیدگی اهداف، انگیزه، سازمان و راهبرد محققان را به این چارچوب رهنمون می‌سازد که تروریسم در دنیای امروز، محصول گفتمان و تعاملات قدرت و دانش بوده، به ابزاری برای تقویت قدرت استعمارگران و قدرتمندان بین‌المللی تبدیل شده است. قدرت‌های بین‌المللی به‌ویژه امریکا برای مقابله با بحران‌های داخلی و مخالفین خود، پدیده‌ای به نام تروریسم را در گفتار و روابط بین‌الملل وارد کرده‌اند و برای سرپوش گذاشتن به تجاوزات و اقدامات تروریستی خود، کشورهای دیگر و نهضت‌های آزادی‌بخش را متهم به تروریسم می‌نمایند.

بیان مسئله

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و تجربه دفاع مقدس و جنگ ۳۳ روزه و مقاومت مردم مظلوم غزه و دهها مورد دیگر از الگوهای مقاومت اسلامی در جهان و درماندگی دشمنان اسلام از نابودی جبهه مقاومت، این نتیجه برای دشمنان حاصل شد که یکی از راههای نابودی انقلاب اسلامی ایران، متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم و تحمیل جنگ‌های نیابتی و حمایت از تروریسم علیه محور مقاومت به منظور نابودی کامل مقاومت اسلامی و منزوی کردن ایران و در نهایت تغییر نظام اسلامی ایران است. به طوری که پس از مباحث هسته‌ای اصلی‌ترین اتهام علیه ایران، اتهام حمایت از تروریسم است که هیچکدام از آنها در تفکر شیعی جای ندارد. به بهانه واهی حمایت ایران از تروریسم، گروهها و باندهای تروریستی را بر منطقه و کشورهای اسلامی تحمیل کردند تا در سایه آن بر کشورهای منطقه که دارای ذخایر و منابع طبیعی فراوان هستند مسلط شده و تمام سرمایه‌ها و ذخایر غنی کشورهای اسلامی را استثمار نمایند.

تروریسم به عنوان مساله اصلی هزاره سوم میلادی جهان اسلام را در شرایط حساس و پیچیده‌ای قرار داده است. از عوامل مهم این پدیده غامض می‌توان به بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی سران کشورهای اسلامی به ویژه دول عربی، وابستگی و انفعال سران مزدور و ترسوی منطقه و در نتیجه هیمنه و سلطه استکبار بر سرنوشت کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا اشاره کرد. این وضعیت باعث شده تا از رشد و گسترش تفکر اسلام ناب و تشیع در جهان جلوگیری به عمل آمده و تمام هدف نظام سلطه و در راس آن آمریکا و لابی صهیونیستی به سمت نظام جمهوری اسلامی ایران و تفکر شیعه در جهان اسلام نشانه برود.

امروزه قدرتهای بین‌المللی به ویژه آمریکا برای مقابله با بحران‌های داخلی و مخالفین خود، پدیده‌ای به نام تروریسم را در گفتار و روابط بین‌الملل وارد کرده است. بنابراین تروریسم یا همان "شوک قرن" به عنوان عامل محرکه تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جایگزین پدیده‌های سیاسی مثل انقلاب، جنگ و خشونت شده است. هیچ اقدام موثری برای مقابله با این پدیده شوم انجام نمی‌شود و هر روز شاهد گسترش تروریسم در سطح جهان هستیم. که در ریشه یابی آنها، نقش آمریکا و غرب هویدا است، ولی برای سرپوش گذاشتن به اقدامات تروریستی خود، کشورهای دیگر و نهضت‌های آزادی بخش را متهم به تروریسم می‌نمایند.

گسترده‌گی و پیچیدگی مفهوم و مصادیق تروریسم در دهه‌های اخیر، باعث شده که رویکردها و نظریه‌های گوناگونی در تعریف آن ارائه شود که می‌توان به نظریه‌های نئولیبرالیسم، جامعه‌شناسی تاریخی، نظریه انتقادی، پست‌مدرنیسم، نظریه محرومیت، پرخاشگری، انتخاب عقلایی و سازه‌انگاری اشاره کرد.

این پژوهش اتهامات وارده به ایران را در موضوع تروریسم در چارچوب نظریه "گفتمان" بررسی می‌کند. این اتهامات، نوعی گفتمان‌سازی غربی برای فشار به ایران می‌باشد که با نوعی غیرسازی گفتمانی و هژمون‌بخشی به ایران و تهدیدات آن، با بهره‌گیری از دانش و زبان و قدرت رسانه‌ای مفهوم‌سازی شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر، مباحث پیرامون تروریسم ابعادی وسیع‌تر یافت و ساختار و گفتمانی جدید در نظام بین‌الملل علیه تروریسم شکل گرفت. در این حال، آمریکا با بهره‌گیری از این موقعیت و ادعای اینکه اسلام و بنیادگرایی اسلامی باعث حوادث تروریستی در جهان می‌شود نوک پیکان حمله را به سوی جهان

اسلام نشانه رفت و با تروریسم خواندن کشورهای اسلامی و مسلمانان عملیات روانی جدیدی علیه کشورهای اسلامی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت.

بر این اساس، جایگاه تروریسم در سیاست خارجی آمریکا و رویکرد و نحوه مواجهه آن در برخورد با این پدیده و فرافکنی اقدامات تروریستی خود و متهم کردن سایر کشورها و نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های اسلامی، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به بررسی و توجه جدی نیاز دارد. از آنجا که آمریکا با عملیات روانی گسترده خود، تخریب چهره جمهوری اسلامی را در نزد افکار عمومی جهان در راهبرد مواجهه با انقلاب اسلامی قرار داده است، ضروری است مطالعاتی مناسب برای احراز صحت و سقم دعوی آمریکا و سرانجام اثبات بی‌پایه بودن اتهامات وارده به ایران انجام شود. این پژوهش، مسئله یادشده را وجه همت خود قرار داده است.

اهداف پژوهش

کشف و استخراج دلایل اصلی پیدایش گفت‌و‌مان تروریسم دولتی در رسانه‌های غربی علیه نهضت‌های آزادی‌بخش از جمله حرکت‌های اسلامی و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، هدف اصلی مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد.

سؤالات پژوهش

سوال اصلی نوشتار این است که:

- علت اصلی متهم نمودن ایران به تروریسم دولتی و حمایت از گروه‌های تروریستی چیست و چه عواملی در شکل‌گیری این اتهام نسبت به جمهوری اسلامی ایران مؤثر است؟
- سؤالات فرعی دیگر عبارتند از:
- نشانه‌ها و عناصر تروریسم خوانده شدن دولت ایران چیست؟
- جایگاه تروریسم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟
- رویکرد جمهوری اسلامی ایران در برخورد با پدیده شوم تروریسم چیست؟
- اتهام تروریسم دولتی به ایران واقعیت دارد یا نه؟

فرضیه پژوهش

در پاسخ به سؤالات یادشده به نظر می‌رسد هدف از به راه انداختن عملیات روانی علیه ایران با موضوع تروریسم، تحت الشعاع قرار دادن افکار عمومی جهانیان و کم اثر کردن قدرت نرم ایران در سطح جهان و سرانجام منزوی کردن ایران است. از این‌رو، در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، فرضیه محوری پژوهش این است که علت اصلی متهم نمودن ایران به تروریسم دولتی و ادعای بی‌پایه حمایت کردن از گروه‌های تروریستی، با هدف فشار به ایران برای به تسلیم کشاندن و مجبور نمودن آن به پذیرش خواسته‌های امریکا و قدرتمندان بین‌المللی اجرا می‌شود.

روش‌شناسی

در این نوشتار اتهام تروریسم دولتی به جمهوری اسلامی ایران با ابتناء بر نظریه «تحلیل گفتمان» ارنستو لاکلاو و شانتال موف صورت می‌گیرد. این اتهام با تکیه بر مجموعه‌ای از عوامل گفتمانی همچون: غیریت‌سازی، عاملیت، هژمونی و مفصل‌بندی در عرصه بین‌الملل ظهور می‌یابد. از این‌رو، پژوهش با تکیه بر عناصر تحلیل گفتمان در پی تجزیه و تحلیل این مسائل است که: نسبت دادن تروریسم به ایران چگونه صورت‌بندی شده و دال‌های شناور آن کدامند؟ شناسه و نشانه‌های تروریسم ایرانی چیست و چگونه مفصل‌بندی و بازنمایی می‌شود؟ اتهام تروریسم دولتی چگونه از طریق غیرسازی خود را نمایان می‌نماید؟ فاعلان و کارگزاران تروریسم و عاملیت‌بخش این اتهام کدامند؟ از این‌رو اتهام تروریسم بودن ایران و حمایت از گروه‌های تروریستی براساس تحلیل گفتمان و از راه بازنمایی دال‌های شناور به عنوان مصادیق این اتهام توضیح داده خواهد شد.

چارچوب نظری: تحلیل گفتمان

به لحاظ هستی‌شناسی، گفتمان‌ها به این مطلب اشاره دارند که حقایق ثابت بیرونی وجود ندارد و تنها از طریق گفتمان است که این حقایق بازنمایی می‌شود. در این بازنمایی، زبان حقیقت را ایجاد می‌کند و تغییر می‌دهد. بنابراین، جهان اجتماعی محصول گفتمان‌هاست و حتی کنش انسان را نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌کند. برای نمونه، طغیان رودخانه و جاری شدن سیل حادثه‌ای است که مستقل از تفکر و ذهنیت

مردم روی می دهد، اما زمان معنادهی به آن از سوی مردم مصادف است با گفتمانی شدن آن که افراد براساس گفتمان های خود آن را به خشم خدا، سوءمدیریت دولتی، ال نینو، خرابی سیل بند و... تعبیر و تحلیل می کنند. این گفتمان ها آثار و پیامدهای خاص خود را به همراه دارند که از ساختن سیل بند، دفاع از سیاست های زیست محیطی و انتقاد از دولت گرفته تا تقویت دینداری و ایمان به خدا، همه را دربرمی گیرد. پس در این نظریه واقعیت اجتماعی ساخته و معنادار می شود که آن از طریق زبان صورت می گیرد. خصوصیت این معناسازی این است که امری دائمی است و حد یقینی ندارد و در اصطلاح زبان امری در حال ساخته شدن است نه از پیش ساخته شده (مقدمی، ۱۳۹۰: ص ۹۲).

نماینده بارز رویکرد گفتمانی «میشل فوکو» است که درباره اشکال گفتمان های جدید سخن گفته - است. از نظر وی سوژه یک امر برساخته دانش و قدرت است. فوکو نشان می دهد که چطور «غیر» و «من» در «ما»ی جامعه پنهان می شود. به نظر او مسئله غیریت تنها تفاوت نیست، بلکه مسئله سلسله مراتب است، زیرا غیر کسی نیست که ما به وسیله او خود را بشناسیم بلکه به وسیله غیر «فروتر» یا «فراتر» می رویم. وقتی ما غیر را می شناسیم در واقع هویت خودمان را می شناسیم (اکبری، ۱۳۸۴: صص ۳۳۲ و ۳۳۳). ویژگی گفتمان «لاکلا» و «موف» این است که این دو نفر تحلیل گفتمان انتقادی را از حوزه زبان شناسی به عالم سیاست و اجتماع کشانده و از آن به مثابه ابزاری نیرومند برای تحلیل های اجتماعی خود استفاده کرده اند. نقطه مشترک تحلیل گفتمان فوکو و لاکلا عمومیت گفتمان نسبت به زبان است، به طوری که گفتمان تمام عرصه های حیات اجتماعی را درمی نوردد و اذهان و رفتار کارگزاران فردی و اجتماعی را شکل می دهد. در این رویکرد گفتمان وسعتی به گستردگی تمام نظام اجتماعی دارد (سلطانی، ۱۳۸۳: صص ۱۵۵-۱۵۳). تحلیل گفتمان متشکل از شمار زیادی مفاهیم متکثر و البته درهم پیچیده است. مفاهیم واقع در این نظریه به هم مرتبط اند که فهم دقیق شاکله نظریه گفتمان و نیز سایر مفاهیم پیرامونی به فهم آنها منوط است. هرچند این مفاهیم وجوه و پیچیدگی هایی دارند، ارتباطی شبکه ای و زنجیروار با هم داشته و دارند. در این حال، تلاش می شود تا مفاهیم عمده و یاری رساننده در فهم کلی نظریه لاکلا طرح و از ذکر سایر مفاهیم جانبی اجتناب شود.

۶

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

گفتمان سازی غرب در بهره گیری از اتهام تروریسم دولتی علیه جمهوری اسلامی ایران

حسین امانلو

۱- مفصل بندی

نظریه گفتمان در درون خود عناصر و رفتارهایی از جامعه را دارد که ما را متوجه فرایندهای سازنده گفتمان‌ها می‌نماید (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: صص ۲۰۱ و ۲۰۲). مفهوم مفصل بندی عبارت است از: گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در یک هویت جدید (هوارث، ۱۳۷۷، ترجمه سلطانی، ص ۱۶۳). نوعی نسبی گرایی در این نظریه وجود دارد، هیچ چیز بنیادینی برای معنادهی و هویت بخشی به پدیده‌ها وجود ندارد. عناصر متفاوتی که جدا از هم بی مفهوم هستند وقتی در کنار هم در چارچوب یک گفتمان گرد هم می‌آیند مفهومی نو کسب می‌کنند. ربط این عناصر از طریق مفصل بندی صورت می‌گیرد (منوچهری، ۱۳۹۰: ص ۱۰۷). طی فرایند مفصل بندی عناصر درون یک گفتمان معنا یافته و تبدیل به دقایق یا «وقته» می‌شوند و به نظم گفتمانی می‌رسند.

۲- دال و مدلول

دال اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. برای نمونه، تکرر مطبوعات منتقد، دال و آزادی بیان مدلول آن است.

۳. دال مرکزی

«دال مرکزی»، «گره گاه» و «بست»، دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام بخش آنهاست. اهمیت دال مرکزی از اینجا ناشی می‌شود که لاکلا و موف، ظهور یک گفتمان را از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره گاه‌های خاص می‌دانند (مقدمی، ۱۳۹۰: ص ۹۴).

۴. دال شناور

دال شناور دالی است که مدلول آن شناور و غیر ثابت است. به عبارت دیگر، دال شناور دالی است که مدلول‌های متعدد دارد و گفتمان‌ها بر اساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند مدلول خویش را به آن الحاق کنند و مدلول‌های دیگر (رقیب) را به حاشیه برانند. در فرایند مفصل بندی، گفتمان‌ها دال‌های

شناور در عرصه اجتماع را به مثابه قطعات پازل در کنار یکدیگر و در راستای ارائه تصویری همه‌فهم و همه‌پسند از نظام سیاسی اجتماعی مورد نظر خود می‌چینند.

۵- عناصر و وقته‌ها

۸

دو فصلنامه علمی-ترویجی
مطالعات
بیداری اسلامی

عناصر نشانه‌هایی‌اند که معنای آنها تثبیت نشده و گفتمان‌ها سعی در معنادهی به آنها دارند و دال‌های شناوری هستند که هنوز در چارچوب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند. بر عکس دقایق (وقته) عناصری هستند که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده و به معنای موقت رسیده‌اند (منوچهری، ۱۳۹۰: ص ۱۰۷).

۶- غیریت‌سازی

اصلی‌ترین معنای گفتمان در مفهوم غیریت‌سازی نمایان می‌شود. غیریت‌سازی زمانی معنی دارد که گفتمان‌ها به طرد و نفی همدیگر پردازند. غیریت‌سازی معلول برخورد گفتمان‌ها در پدید آوردن معنای خاص برای نشانه‌ها در درون گفتمان است. غیریت‌سازی سه جنبه دارد. نخست، روابط غیریت‌سازی و ضدیت که شامل تولید «دشمن» یا «دیگری» است برای تأسیس مرزهای سیاسی اهمیت دارد، دوم، شکل‌گیری روابط خصمانه و غیرسازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، امری محوری برای تثبیت بخشی از صورت‌بندی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی است و سوم، تجربه ضدیت نمونه‌ای است که محتمل و حدوثی بودن را نشان می‌دهد (منوچهری، ۱۳۹۰: ص ۱۱۷؛ مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ص ۲۰۵).

۷- هژمونی یا سلطه

در بستر گفتمان هژمونیک، عناصر وارد روابط خصمانه و مقاومت می‌شوند که منجر به معنادار کردن «دال‌های شناور» می‌شود (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ص ۲۰۹). میشل فوکو در نقد قدرت نشان می‌دهد که در عصر مدرن نامگذاری اشیاء به معنای عرف عام و قرارداد می‌باشد. عرف، عام را رابطه‌ای بین دال و مدلول می‌داند و معتقد است که قدرت مسلط، گفتمان مسلط را تعیین و دال و مدلول را مشخص می‌کند. جامعه مدرن نیز عرف عقلا را قرارداد و هنجار می‌نامد (رایش، ۱۳۸۱: ص ۱۸). فوکو ضمن پرداختن به نحوه پدیداری دانش، نظم گفتار را حاصل اراده تعیین‌کنندگی قدرت حاکم می‌داند پس می‌توان به جای رنگ قرمز، این رنگ را سبز خواند زیرا در عصر مدرن هنجار تعیین‌کننده تمام واقعیت است (رایش،

حسین امینلو

گفتمان‌سازی غرب در بهره‌گیری از اتهام تروریسم دولتی علیه جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۱: ص ۲۰). نخست، رفتارهای استیلاجویانه نوعی از رفتارهای مفصل‌بندانه هستند که صورت‌بندی‌های اجتماعی را می‌سازند؛ دوم، لازمه رفتارهای استیلاجویانه ترسیم مرزهای سیاسی است، از این‌رو رفتارهای استیلاجویانه اغلب شامل به‌کارگیری قدرت و تحمیل خواسته بر دیگران است، و سوم، لازمه رفتارهای استیلاجویانه، در دسترس بودن دال‌های شناور است که توسط گفتمان موجود تثبیت شده‌اند، لذا هدف رفتارهای استیلاجویانه معنا بخشیدن به عناصر است (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ص ۲۰۹). هژمونی از منظر غیریت‌سازی عیان می‌شود.

۹

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

۸- عاملیت یا کارگزار اجتماعی

برخلاف ذات‌گرایی و تعیین‌کنندگی سوژه در مدرنیسم، از منظر گفتمان فرد سوژه خودمختار نیست بلکه انسان آزاد خودمختار و اراده‌مند عصر روشنگری در فلسفه عقل‌گرای دکارت و نگرش فردگرایانه لاک، در آراء پست‌مدرن محو می‌شود. لویی آلتوسر معتقد است که سوژه‌ها توسط رفتارهای ایدئولوژیک ساخته می‌شوند و شیوه زندگی انسان‌ها (سوژه) متأثر از یک ایدئولوژی است که هویتی به کارگزاران اجتماعی درباره شرایط زندگی‌شان می‌دهد (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ص ۲۰۷). سوژه‌ها در درون گفتمان‌ها و از راه عمل مفصل‌بندی گفتمانی و با شیوه‌های سخن گفتن موقعیت‌گذاری می‌شوند.

بنابراین به زبان گفتمانی دال تروریسم با مدلول تروریسم ایرانی پر شد. برای اثبات اتهام تروریسم، نیاز به دال‌های شناور و نشانه‌های تروریستی در چارچوب مفصل‌بندی و براساس منطق تمایز و غیرسازی است.

مفهوم‌شناسی تروریسم

تروریسم پدیده‌ایست که با خشونت همراه بوده، در جامعه ترس و وحشت ایجاد می‌کند. تا کنون تعریف جامع و واحدی در این مورد ارائه نشده است بنابراین، وحدت نظر وجود ندارد. اما در مورد ویژگی اساسی تروریسم که «خشونت و تهدید به خشونت» است در نزد صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود دارد. مجموع تعاریف ارائه شده از تروریسم در دانشنامه‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها به خشونت آمیز بودن، قربانی، هدف و انگیزه داشتن، قانونمندی و مشروعیت، قبول مسئولیت و عامل اقدام اشاره دارد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: صص ۲۳ و ۲۴).

واژه تروریسم از زبان فرانسه به فارسی راه یافته است و به معنای ترس است. در لغت‌نامه دهخدا ترور برگرفته شده از زبان فرانسه به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه است. در زبان فرانسه به معنای وحشت و

خوف آمده است. در اصل حکومت وحشت و فشار است. این کلمه در فارسی به اصلی اطلاق می شود که در آن از قتل های سیاسی و ترور دفاع شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۶۸۳). تروریسم گونه ای از خشونت است که با بهره گیری سیستماتیک یا تهدید با توسل به قتل، جرح و خرابکاری به منظور ایجاد رعب و هراس صورت می گیرد. بعضی از رژیم ها هر گونه مخالفت یا نارضایتی سیاسی را تروریسم می نامند (نجفی و هاشمی بیگی، ۱۳۷۷: ص ۵۸).

۱۰

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

تعریف وزارت دفاع امریکا از تروریسم در سال ۱۹۹۰ عبارت بود از: کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد ترور و خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی صورت می گیرد (فیرحی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۷). در گزارش ۱۳ کمیسیون حقوق بین المللی در سال ۱۹۹۵ تروریسم بین المللی این گونه تعریف شده است: تصدی، سازمان دهی، دستور دادن، تحصیل کردن، تأمین مالی، تشویق، اداره اعمال خشونت آمیز بر ضد دولتی دیگر که متوجه اشخاص یا اموال باشد و وضعیت ترور (ترس یا وحشت) در افکار، تشکل ها، گروه ها یا افکار عمومی ایجاد کند تا دولت یادشده را به اعطای منافع یا اعمال روش خاص وادارد (هاشمی، ۱۳۹۰: ص ۲۹). به طور خلاصه، به کارگیری اقدامات خشونت بار شدید و غیرقانونی، بر ضد جان یا مال عموم شهروندان غیرنظامی یا بخشی از آنان و تهدید به آن، به منظور ایجاد هراس عمومی را تروریسم گویند (هاشمی، ۱۳۹۰: ص ۴۵). به باور «جی بدی» تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه ورزی جنایی یا سیاسی توسط گروه های مختلف به کار گرفته می شود (جی. بدی، ۱۳۷۸: ص ۲۴۹). وی در تعریف تروریسم بین المللی نیز می گوید: «کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی به همراه قصد ارعاب به وسیله عاملان غیر دولتی که بر بیش از یک دولت اثر می گذارد» (جی. بدی، ۱۳۷۸: ص ۲۵۰).

حسین امانلو

تروریسم بر اساس عامل و دامنه انجام دهنده شامل تروریسم فردی، سازمانی یا گروهی و دولتی است:

۱- تروریسم فردی^۱ توسط یک فرد یا افرادی مشخص و بدون هدایت سازمان یافته و با انگیزه های فردی مانند بی عدالتی و نابسامانی و ظلم اجتماعی صورت می گیرد. برای نمونه، ترور عمر توسط فیروز ابولولو و ترور امین سلطان نخست وزیر ضد مشروطه محمدعلی شاه قاجار توسط عباس آقا صراف تبریزی (توکلی، ۱۳۸۸: صص ۱۸ و ۱۹).

^۱. individual terrorism

۲- در تروریسم سازمانی، یک سازمان سیاسی یا نظامی غیردولتی در چارچوب اهداف سازمانی اقدام به ترور می‌نماید که ممکن است آزادی خواهانه، آزادی بخش یا سلطه طلبانه باشد مانند ترور حضرت علی (ع) توسط خوارج، اقدامات گروه فرقان در اوایل انقلاب اسلامی، عملیات سازمان یافته حماس و جهاد اسلامی برای آزادی سرزمینشان، اعمال تروریستی حزب توده در زمان شاه و اقدامات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (توکلی، ۱۳۸۸: صص ۱۹ و ۲۰).

۳- در تروریسم دولتی نیز دولت از طریق ابزارهای حکومتی (امنیتی، قضایی، تبلیغاتی) و با اهداف سرکوب یا حذف مخالفان اقدام نموده تا شهروندان را به فرمانبرداری مجاب نماید. اقدامات تروریستی دولتی معاویه و ترور امام حسن (ع)، ترورهای دوره رضاخان مانند ترور مدرس، سردار اسعد بختیاری و در زمان محمد رضا شاه هم ترور مصطفی خمینی، جلال آل احمد، تختی، شیخ احمد کافی و تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی با ترور سید عباس موسوی، شیخ احمد یاسین، عبدالعزیز رنتیسی و... (توکلی، ۱۳۸۸: صص ۲۴-۲۱). این تقسیم بندی در منابع دیگر نیز ذکر شده است (کدخدایی و ساعد، ۱۳۹۰: ص ۲۳).

ترور از منظر اسلام

یک اصل و قاعده کلی در قرآن وجود دارد که در بحث تروریسم به آن می‌توان استناد کرد. خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده می‌فرماید: «من قتل نفسا او فسادا فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا؛ قتل نفس تنها در دو مورد جایز شمرده شده است. یکی قتل نفس در برابر قصاص است و دیگری فساد فی الارض که نزد اکثر فقها به محاربه عنوان شده است را در بر می‌گیرد. غیر از دو مورد فوق قتل نفس جایز نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰: ص ۱۲). بنابراین، این یک اصل روشن و صریح قرآنی و یک اصل والا و بلندمرتبه حقوق بشری است که می‌توان برای دفاع از موضع اسلام در برابر تروریسم بیان کرد. در ادبیات دینی دو عنوان وجود دارد که مصداق تروریسم به شمار می‌رود یکی «محاربه» و دیگری «فتک» است.

۱- محاربه: به معنای ایجاد ترس و رعب و ناامنی و برهم زدن امنیت اجتماعی و حیات مدنی مردم بی‌گناه است (شاهرودی، ۱۳۸۰: ص ۱۲). محارب نیز کسی است که با تهدید یا به کارگیری اسلحه، به جان و مال مردم تجاوز می‌کند اعم از اینکه دزد سرگردنه باشد یا در داخل شهر به این اقدام دست بزند. جزای چنین کسی، اگر مرتکب قتل شده باشد قتل است (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۵: ص ۵۳۳؛ و جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۸، ج ۴: ص ۳۶۰).

صاحب جواهر نیز محارب را کسی میداند که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون کشیده یا آن را حمل می کند (نجفی، ۱۳۶۳: ص ۵۶۴).

۲- اغتیال و فتک نیز به معنای حذف و قتل ناجوانمردانه و ناحق با حيله و خدعه می باشد

(عبداله خانی، ۱۳۸۶: ص ۱۹۴). حتی در اسلام توصیه شده است در جنگ ها هم ناجوانمردانه کسی را نکشید. حذف و قتل به ناحق و با ناجوانمردی یا ترور که در روایات از آن به غیله و فتک، تعبیر شده در اسلام مطرود است (محدثی، ۱۳۷۵: ص ۲۵).

علاوه بر آیات قرآن و احادیث و سنت نبوی و سفارشات مؤکد ائمه اطهار (ع) در مورد نفی ترور به هر نحو، در قرن حاضر نیز که اقدامات تروریستی در جهان افزایش یافته و اسلام و ایران را به آن متهم می نمایند حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) با ترور به هر شکل ممکن مخالفت می نمایند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹: ص ۳۵). مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز در برهه های مختلف با ترور مخالفت کرده اند از جمله در جریان قتل های زنجیره ای به شدت با آن مخالفت کرده و با ارسال نامه ای به رئیس جمهور خواستار رسیدگی سریع به پرونده قتل های زنجیره ای شدند. بر اساس تعالیم اسلام و آیات قرآن، ترور و خشونت باطل و حرام است چون اسلام دین رحمت و آرامش و آسایش است.

تروریسم و دفاع مشروع

بر اساس تعالیم اسلامی و معاهدات بین المللی اقدام کسی که در مقام دفاع از خود، مرتکب قتل چه جوانمردانه یا به صورت فتک شود ترور به شمار نمی رود چون در مقام دفاع است برای نمونه، نمی توان اقدامات مردم فلسطین را که در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی مقابله به مثل کرده، از خود دفاع می کنند مصداق ترور و تروریسم به شمار آورد. در واقع، تجاوز به حقوق ملت و مردم یک سرزمین، اعلام جنگ بوده و تلافی جزو مسلمات به شمار می رود. از این رو، قانون حمایت از فلسطین در ۱۹ اسفند ۱۳۶۹ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید (ساعد، ۱۳۸۹: ص ۲۳). کنوانسیون سازمان همکاری های اسلامی بین تروریسم و مبارزه نهضت های آزادی بخش تفاوت قائل شده، تصریح می کند که مبارزه مسلحانه بر ضد اشغال گری، تجاوز بیگانگان، استعمار و سلطه طلبی اجانب به منظور آزادسازی سرزمین ها یا به دست گرفتن حق تعیین سرنوشت، حق مشروع انسان هاست و نباید با مفهوم تروریسم یکسان انگاشته شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ص ۳۲۳). بنابراین، با توجه به مشروعیت توسل به زور از سوی نهضت های آزادی بخش برای دفاع

از خود و میهن خود، کمک نظامی به آنها برای رهایی از یوغ استعمار نیز منع نشده است (ممتاز، ۱۳۸۱: ص ۳۴). بنابراین توسل به زور بر مبنای دفاع مشروع توسط گروه‌های مبارز و نهضت‌های آزادی‌بخش جزو تروریسم نبوده و حمایت از آنها نیز مجاز شمرده می‌شود. در اسلام نیز به حق مقابله با مثل تأکید شده است. قرآن می‌فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْنَا فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْنَا» که دفاع مشروع یا مقابله به مثل با تجاوز و زورگیری است (بقره/۱۹۴).

۱۳

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

دقایق گفتمانی تروریسم دولتی علیه جمهوری اسلامی ایران

پیشینه گفتمان تروریسم

به جرأت می‌توان گفت که پدیده تروریسم در آغاز سده سوم به عنوان عامل محرک و تشدید کننده تحولات جهان امروز اعم از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است به طوری که جایگزین پدیده‌های سیاسی شناخته شده مثل انقلاب‌ها، جنگ‌ها، کودتاها، شورش‌ها و ... شده است و حاکمیت‌ها و دولت‌ها و زندگی سیاسی در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی را به چالش کشیده است.

تروریسم را به لحاظ تاریخی می‌توان به دو مقطع قدیم و جدید تقسیم کرد. تروریسم قدیمی غالباً به دنبال سرنگونی قدرت استعماری یا نظام‌های سلطه‌گر بود و می‌کوشید با روش‌های مختلف به هدف اصلی خود که نابودی نظام موجود سلطه در آن کشور هست دست یابد. تروریسم قدیمی که شبکه‌های سری سازمان یافته‌ای بوده و تحت حمایت دولت‌های تندرو و استعماری قرار داشتند برای اعمال وحشیانه خود حد و حدودی قایل بودند، چون می‌خواستند از لحاظ سیاسی مشروعیت پیدا کنند. بنابراین کشتن تعداد زیادی بی‌گناه باعث می‌شود آنها حامیان عادی خود را از دست بدهند هر چند بمب‌گذاری یا هواپیما ربایی نیز جزو اقدامات تروریستی آنها بوده اما کشتار مردم بی‌گناه و غیر معارض در دستور کارشان نبوده است. تروریسم نو برخلاف تروریسم قدیمی به نظر می‌رسد فاقد برنامه مشخصی است و عوامل آن برای رسیدن به قدرت، برنامه مشخصی ندارند. تروریسم مدرن برای رسیدن به اهداف قدرت‌های استعماری تلاش می‌کنند و از راه‌های مختلف ترور از جمله بمب‌گذاری، قتل عام و آدم‌ربایی و جنایان جنگی و ... استفاده شده است. نمونه‌های وقایع تروریستی نو که غالباً حالت وحشیانه و وحشتناک دارد در کشورهایی مثل سوریه، عراق، افغانستان، لیبی، بمب‌گذاری در لندن و ... می‌باشد.

حسین امانلو

تبارشناسی تروریسم از منظر گفتمانی، لاکوئر^۱ در کتاب «پایانی برای جنگ نیست» با بررسی گفتمان مسلط تروریستی، اقدامات تروریستی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ را نتیجه بی‌عدالتی و فقر همچنین سرکوب سیاسی و اجتماعی دانسته که تروریست‌ها برای رسیدن به آزادی و عدالت دست به عملیات سیاسی علیه رهبران سیاسی می‌زدند. ولی در نیمه دوم قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، عوامل مذهبی و ایدئولوژیکی و جنایی از علل اصلی تروریسم بوده است (لاکوئر، ۲۰۰۳: صص ۱۴-۱۱).

در دوران جنگ سرد نظام معنایی تولید شده با عنوان تروریسم علیه شوروی بود اما این سبک و سیاق در معناسازی جدید، با هویتی جدید علیه اسلام و به نام بنیادگرایی اسلامی مطرح شد. به تعبیری در تبارشناسی گفتمان تروریستی چرخش زبانی - معنایی غرب از ماهیت لامذهبی و ضدخدایی به هویت دینی - مذهبی پس از فروپاشی شوروی قابل تأمل است (سلیمانی، ۱۳۹۰: صص ۲۳ و ۲۴). گفتمان یادشده پس از سقوط شوروی و بعد از ۱۱ سپتامبر در گفتمان زور و قدرت جلوه گر شد که سناریویی برای تثبیت گفتمان قدرت مسلط در جهان به شمار می‌رود. متهم کردن ایران به تروریسم نیز درون این گفتمان جای داشته، دستاوردی گفتمانی به شمار می‌رود که در قلمرو روابط و تفسیر زبان‌شناختی معنا پیدا می‌کند. در چارچوب این گفتمان، تروریسم بودن ایران تنها نه یک امر عینی و واقعی است و نه یک امر ذاتی و تغییرناپذیر، بلکه با اتکا به نقش معنادار رفتارها و سیستم‌های معانی در درون متن و در جامعه تعریف می‌شود و مبتنی بر عناصر گفتمانی است.

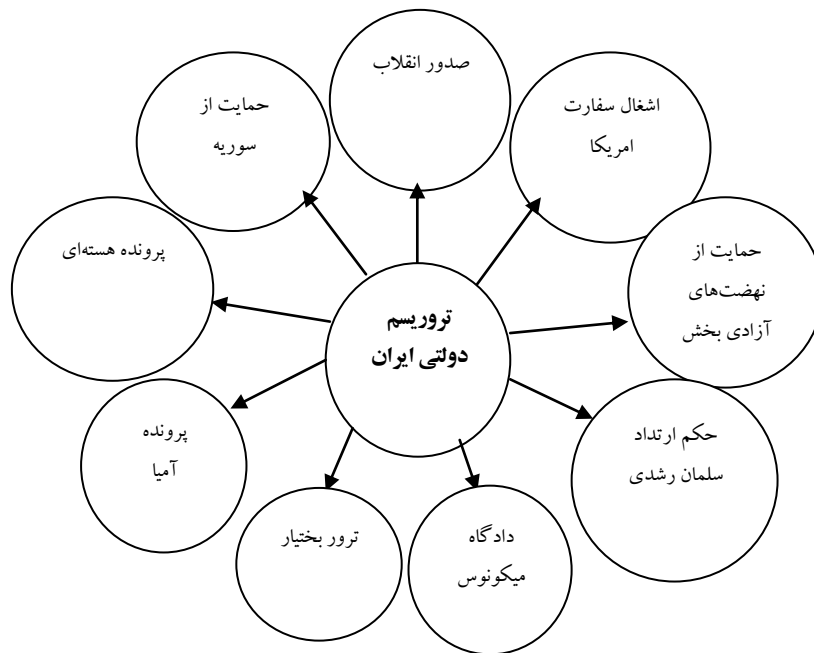
گفتمان تروریسم علیه جمهوری اسلامی ایران

واژه تروریسم امروزه توسط رسانه‌های امریکا و صهیونیسم، به منظور بسیج افکار عمومی جهان علیه افراد، گروه‌ها و حکومت‌ها به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به کار برده می‌شود. در واقع، امریکا و غرب برای فریب افکار عمومی و سرکوب مخالفان خود از برجسب‌های ترور و تروریسم بهره‌برداری می‌کنند. با وقوع حوادث یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱، این اتهامات سرعت گرفته، در درون گفتمان ضد ایرانی از عناصر به سمت وقته یا دقیقه حرکت کرد تا در درون گفتمان استقرار یابد. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران، ۳۴ قانون در خصوص مبارزه با تروریسم به تصویب رسانده، یا با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی منعقد کرده است (ساعد، ۱۳۸۹: صص ۷-۵). با وجود این، دولت امریکا ایران را

^۱. laqueur

متهم کرده است که از حزب الله لبنان و چند گروه فلسطینی حمایت می‌کند. این گروه‌ها در فهرست گروه‌های تروریستی دولت امریکا قرار دارند.

گفتمان اتهام تروریسم دولتی علیه ایران



دال‌های شناوری که امریکا به استناد آن ایران را متهم به تروریسم دولتی و حمایت از تروریسم در جهان معرفی می‌کند به شرح ذیل است:

۱- صدور انقلاب و زمینه‌های شکل‌گیری گفتمان تروریسم ایرانی

نخستین موضوعی که پس از روی کار آمدن انقلاب اسلامی در ایران، ذهن غرب را به خود مشغول کرد، احتمال وقوع یک انقلاب فراگیر و گسترش اسلام در منطقه راهبردی خاورمیانه بود که به یقین دستاوردها و منافع غرب به خصوص امریکا را با تهدیدی جدی مواجه می‌کرد. همزمان با وقوع انقلاب اسلامی تحرکاتی در میان مسلمانان در کشورهای منطقه صورت گرفت. جرجیس در کتاب امریکا و اسلام سیاسی می‌نویسد: وقوع انقلاب ایران و همزمان با آن بروز شورش‌هایی در کشورهای منطقه از جمله در عربستان

که منجر به اشغال مسجدالحرام به مدت دو هفته در شهر مکه شد از عواملی بودند که به این احتمال صورتی واقعی می‌بخشیدند. امریکا شورش جمعی از مسلمانان در مسجدالحرام را که مصادف با انقلاب اسلامی بود بر عهده انقلاب اسلامی انداخت (جرجیس، ۱۳۸۲: صص ۸۸ و ۸۹). البته بعدها مشخص شد که ایران در این ماجرا دخالتی نداشته است. امریکا صدور انقلاب را چون صدور خشونت و ناامنی می‌دانست و به یقین در صورت فراگیر شدن انقلاب در منطقه موقعیت رژیم صهیونیستی به تزلزل می‌افتاد. این موضوع در تضاد کامل با منافع ملی و دکترین بین‌المللی امریکا بود.

از آنجا که صدور انقلاب نتایج بسیار زیان‌بار برای غرب به دنبال داشت بنابراین، آن را با صدور خشونت و هرج و مرج یکی دانسته و ایران را متهم به آشوب‌طلبی و تروریسم در منطقه نمودند. صادر کردن انقلاب، یک هدف مهم سیاست خارجی بود. امام خمینی (ره) منظور از صدور انقلاب را چنین عنوان داشته‌اند: «ما که می‌گوییم اسلام را ما می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر. یک همچنین چیزی نه ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آن چه ما می‌توانیم این است که به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن‌طوری که هست معرفی کنیم» (امام خمینی. ره، ۱۳۷۹: ص ۳۶۴). ایشان در جای دیگر فرمودند: «ما که می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد» (امام خمینی. ره، ۱۳۷۹: ص ۷۲).

به هر حال، مسئله صدور انقلاب اسلامی مهم‌ترین نشانه برای غیریت‌سازی از ایران و معرفی آن به عنوان عامل و کارگزار تروریسم در درون گفتمان ضد ایرانی قرار گرفت.

۲- تسخیر لانه جاسوسی و گروگان‌گیری

لانه جاسوسی در ۴ نوامبر ۱۹۷۹/۱۳ آبان ۱۳۵۸ به دست جمعی از دانشجویان پیرو خط امام (ره) از دانشگاه‌های تهران، شریف، امیرکبیر تسخیر شد. این حادثه، در واقع وجهی از حق دفاع مشروع و پیش‌گیرانه به‌شمار می‌رود چرا که هدف از آن اعتراض به ۲۵ سال مداخله امریکا در امور داخلی ایران بود که از دخالت در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ آغاز شده و با پناه دادن به شاه مخلوع در امریکا، در پاییز سال ۱۳۵۸، به اوج خود رسیده بود (شاه علی، ۱۳۸۵: ص ۳۳۸).

این حرکت انقلابی دانشجویان توسط امام خمینی (ره) مورد تأیید قرار گرفته و آن را انقلاب دوم نامیدند. آمریکا در واکنش به این اقدام، آن را مصداق تروریسم دولتی نامید در حالی که: الف) اشغال سفارت به دستور امام خمینی (ره) نبوده و به صراحت ابراز می‌دارند که دانشجویان به چه دلیل سفارت را اشغال کرده مطلع نیست؛ ب) علت تأیید عملکرد دانشجویان از طرف امام، خیانت و توطئه دولت آمریکا از طریق سفارت برای دخالت نظامی در ایران و نیز امتناع از استرداد شاه بوده است؛ ج) علت نگهداری گروگان‌ها عدم استرداد شاه بوده است؛ د) حضرت امام (ره) تأکید دارند که در تسخیر سفارت به نمایندگی از ملت ایران و نه دولت ایران رهبری می‌کند (هاشمی، ۱۳۹۰: ص ۳۱۵). به این ترتیب تسخیر سفارت آمریکا، در تثبیت دال مرکزی گفتمان تروریسم دولتی عمل کرده است.

۳- حمایت ایران از گروه‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش

پس از جنگ دوم جهانی، در عرصه حقوق بین‌الملل شرایطی به قدرتمندان اعطا شده بود که باعث می‌شد نهضت‌های آزادی‌بخش برای رهایی از یوغ استعمار متوسل به زور شوند؛ بنابراین، توسل به زور از طرف آنها برای رهایی از سلطه استعمارگران در عرصه بین‌المللی حق مشروع شمرده شد. علاوه بر مشروعیت بین‌المللی، مسئله حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش بر اساس ماهیت و راهبرد و سیاست‌های نظام در دفاع از ملت‌های مظلوم و ستمدیده و مطابق با اصل ۱۵۴ قانون اساسی است. از این رو، مسئله فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی از علل حمایت ایران از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌شمار می‌رود که بهانه‌ای برای رسانه‌های غرب در خصوص متهم کردن ایران به حمایت از گروه‌های تروریست تبدیل شده است.

۴- صدور حکم ارتداد و اعدام سلمان رشدی

یکی دیگر از نشانه‌های گفتمان‌سازی و تکمیل پروسه ایران‌هراسی و متهم نمودن ایران به تروریسم صدور حکم ارتداد و اعدام برای نویسنده کتاب منحن «آیات شیطانی» است. این دال شناور گفتمانی در تثبیت سلطه و هژمونی گفتمانی غرب مؤثر بود. ماجرای تدوین و انتشار کتاب مبتدل آیات شیطانی نوشته «سلمان رشدی» و حمایت رسمی دولت‌های غربی از آن و موضع‌گیری حضرت امام (ره) و صدور حکم ارتداد و اعدام سلمان رشدی، سرآغازی بر فصل جدید تهاجم فرهنگی علیه اسلام و ایران بود. حضرت امام خمینی

ره) با درک عمیق از این مسئله در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ با صدور حکم ارتداد و اعدام سلمان رشدی، انقلابی بر پا کرد و با متحد شدن مسلمانان در برابر غرب، موجودیت جامعه اسلامی، به عنوان یک امت واحده جلوه گر شد. اتحاد مسلمانان در برابر غرب به مسلمانان قدرت برتری داد تا در برابر سلطه غرب بتواند از هویت خود دفاع نماید. در واقع، در این مسئله و صدور حکم توسط امام راحل هیچ جنبه‌ای از عمل تروریستی حاکم نبوده است بلکه در حالت تدافعی و حفظ بر اساس دین اسلام و دستورات صریح قرآن بوده است.

۱۸

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

۵ - ماجرای رستوران و دادگاه میکونوس

یکی دیگر از نشانه‌هایی که در گفتمان متهم کردن ایران به تروریسم مفصل‌بندی شده و به عنوان عاملیت در اقدام تروریستی مطرح شده است اتهام تیراندازی در "رستوران میکونوس" در مرکز شهر برلین آلمان در سال ۱۳۷۱ بوده است. در این اقدام انگشت اتهام به سوی ایران دراز شد و با فضا سازی رسانه‌های غربی به بحرانی علیه کشورمان تبدیل شد که بار دیگر جبهه‌گیری تمامی دنیای غرب را با اسلام و جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذاشت. اوج این مواجهه در ۲۱ فروردین ۱۳۷۶ رخ داد، زمانی که حکم سیاسی و مغرضانه دادگاه برلین علیه جمهوری اسلامی ایران تحت فشار لابی صهیونیستی صادر شد و به سرعت روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ۱۲ کشور اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار داد. در این خصوص، دادستان آلمان از واژه تروریسم دولتی علیه ایران استفاده کرد.

جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران تحت هیچ شرایطی حاضر به تحمل این گونه اهانت‌ها نیست هشدار داد که این نوع اقدامات خصمانه اثری ناخوشایند بر روابط دو کشور خواهد گذاشت و مسئولیت عواقب آن بر عهده دولت آلمان است. این ماجرا ایران را در مقابل جهان غرب قرار داد و به عنوان یکی از دال‌های شناور تثبیت کننده اتهام تروریسم به ایران جای گرفت. این ایستادگی و رویارویی ایران را در برابر غرب تحت رهبری امریکا و لابی صهیونیستی قرار داده، سرآغازی بر تداوم تروریسم خواندن ایران تلقی شد.

۶- ترور بختیار در ۱۵ تیر ۱۳۷۰

یکی دیگر از نشانه‌های مفصل‌بندی تروریسم دولتی ایران، ترور بختیار در ۱۵ مرداد ۱۳۷۰ بود. هر چند پیش این نیز، در مرداد ۱۳۵۹ یک گروه سه نفره با گذرنامه سوری، لبنانی و فلسطینی وارد خانه بختیار شدند؛ اما موفق به ترور او نشدند (طلوعی، ۱۳۷۲: ۲۸). محاکمه متهمین در پاریس مدت‌ها طول کشید. متهمین ۹ نفر بودند که ۶ نفر آنها فرار کردند و برای سه نفر آنها حبس ابد، ده سال زندان و تبرئه در نظر گرفته شد.

سؤال اینجاست که به چه دلیلی ایران در این ترور متهم شناخته شد و اسناد این ترور کجاست؟ هر چند این پرسش اساسی به جای خود باقی است که با وجود خیانت‌های بختیار، آیا ملت ایران حق انتقام و مقابله به مثل با وی را ندارد؟ از سوی دیگر، هیچگاه ثابت نشد که این ترور توسط سرویس‌های امنیتی انجام شده است. سرانجام، به نظر می‌رسد ترور بختیار نتیجه خیانت به ملت و عقوبت دشمنی نامبرده با مردم ایران بوده است.

۷- حادثه انفجار هواپیمای پان امریکن بر فراز شهر لاکربی

از دیگر دال‌های شناور در گفتمان تروریسم ضد ایرانی، اتهام انفجار هواپیمای لاکربی به انتقام انفجار هواپیمای ایرانی بر فراز خلیج فارس است. پرواز شماره ۱۰۳ خطوط هوایی امریکا از فرودگاه هیترو لندن به مقصد فرودگاه بین‌المللی جان اف کندی نیویورک در حرکت بود که در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ توسط بمب با ۲۴۳ مسافر و ۱۶ نفر خدمه متلاشی شد، ۱۱ نفر هم در لاکربی در جنوب اسکاتلند به هنگام سقوط این هواپیما در این شهر جان خود را از دست دادند تا مجموع قربانیان این حادثه به ۲۷۰ نفر برسد؛ به همین دلیل نیز این حادثه با عنوان سانحه لاکربی نیز شناخته می‌شود. دولت‌های امریکا و انگلیس، لیبی را مسئول این بمب‌گذاری معرفی کردند که منجر به تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور شد. در سال ۲۰۰۳ لیبی به‌طور رسمی مسئولیت این بمب‌گذاری را بر عهده گرفت (شجاعی، ۱۳۸۶: ۶۳).

هر چند پس از سه سال تحقیق و بازجویی مقامات امریکایی و انگلیسی اعلام کردند که ۲ تبعه لیبی در این حادثه نقش داشته‌اند، با این حال تا مدت‌ها انگشت اتهام به سوی ایران بود. پس از آن بلافاصله شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۷۳۱ از دولت لیبی خواست متهمان ادعا شده توسط امریکا و انگلیس را به این دو کشور تحویل دهند. همچنین غرامت این حادثه را نیز باید پرداخت کند. این اتهام واهی به دولت ایران

جزو پروژه اتهام‌سازی بود که در صدد عاملیت اقدام تروریستی برای جمهوری اسلامی طراحی شده بود که با اعتراف دولت لیبی ناکام ماند.

۸- اتهام انفجار مرکز یهودیان در آرژانتین در ۱۹۹۴ معروف به «آمیا»

انفجارهایی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۴ در سفارت رژیم صهیونیستی در بوینس آیرس، پایتخت آرژانتین و یک مرکز یهودیان در این شهر به وقوع پیوست که طی آنها بیش از ۱۱۰ نفر کشته شدند. رژیم صهیونیستی ایران و حزب‌الله را متهم به این انفجارها کرد، اما هیچ مدرکی دال بر دست داشتن ایران در این انفجارها ارائه نشد. همچنین قاضی پرونده، به دلیل دریافت رشوه از رژیم صهیونیستی از کار برکنار شد.

۹- اتهام ترور سفیر عربستان

وزارت دادگستری آمریکا در ۱۹ مهر ۱۳۹۰ / ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱ میلادی، یک شهروند ایرانی - امریکایی به نام «منصور ارباب‌سیر» را به عنوان متهم اصلی و یک شهروند دیگر ایرانی را به ارتباط‌گیری، طراحی و پرداخت پول به «کارتل لوس زتاس» برای ترور «عادل الجبیر»، سفیر ریاض در واشنگتن متهم کرد. پس از آن، بنا به درخواست عربستان از بان‌کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، در ۲۵ مهر ۱۳۹۰ اعلام کرد که پرونده توطئه جمهوری اسلامی ایران برای ترور سفیر عربستان در آمریکا را به شورای امنیت فرستاد. به نظر می‌رسد زمینه‌سازی برای مشارکت فعال عربستان در پروژه تحریم نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا همچنین جبران کاهش خرید نفت ایران از جانب برخی مشتریان آسیایی، انگیزه طراحی این سناریو بوده است (بی‌نا، دوماهنامه چشم‌انداز ایران، ش ۷۰).

۱۰- حمایت از دولت و مردم سوریه

روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه را می‌توان کهن‌ترین روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی در منطقه خاورمیانه به‌شمار آورد. یکی از مهم‌ترین دلایل حفظ این روابط وجود خطرهای منطقه‌ای مشترکی همچون رژیم صهیونیستی بوده است. حمایت جمهوری اسلامی ایران از مردم و دولت سوریه را می‌توان در چارچوب حمایت و تقویت محور مقاومت و دفاع از موضوع اصلی جهان اسلام یعنی قضیه فلسطین و مقابله با دشمن صهیونیستی تحلیل کرد.

۱۱- بمب‌گذاری در مسیر سربازان امریکایی حاضر در افغانستان

ایران و ناتو منافعی از یک طرف هم‌سو و از سوی دیگر متعارض در افغانستان دارند. برقراری امنیت در افغانستان و سرکوب طالبان و القاعده با توجه به گرایش‌های سلفی‌گری و ضد شیعی آنها نقطه مشترک ایران و ناتو است، لیکن این فرض نیز مطرح می‌شود که ناامنی در افغانستان باعث درگیری قوای امریکا و ناتو در این منطقه و احساس خطر آنها از گسترش دادن منازعات به سرزمین ایران می‌گردد.

در پاره‌ای از گزارش‌ها ادعا شده است که ایران از سال ۲۰۰۶ به گروه‌های شورشی در افغانستان مساعدت مالی می‌کند ولی در این رابطه هیچ سند معتبری ارائه نشده است (گزارش کنگره، ۲۰۰۹: ص ۱۰۲)، ولی سند قطعی مبنی بر اینکه تسلیحاتی از طرف دولت ایران به گروه‌های شورشی واگذار شده وجود ندارد (بزرگمهری، ۱۳۸۹: ص ۴۸).

۱۲- پرونده هسته‌ای و تروریسم هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی

از جمله مواردی که به عنوان سلطه یا قدرت هژمونیک می‌تواند در صحنه بین‌الملل علیه ایران تلقی شود توانمندی هسته‌ای و داشتن انرژی هسته‌ای است. این دال شناور در دایره اتهامات تروریسم علیه ایران هم عامل هژمون و هم برقراری رابطه عاملیت تروریسم دولتی برای جمهوری اسلامی به شمار می‌رود، بنابراین این، کشورهای غربی تأکید بسیاری بر متوقف کردن فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

دست‌یابی ایران به چرخه کامل سوخت هسته‌ای و نیز غنی‌سازی اورانیوم، جایگاه ایران را در منطقه و جهان مستحکم خواهد نمود که این موضوع نگرانی غرب را برانگیخته است. بنابراین، به وجود آوردن توهم ایران اتمی مساوی با بمب هسته‌ای و سرانجام جنگ یا تروریسم هسته‌ای برای همراه‌سازی افکار عمومی و فشار برای توقف فعالیت‌های اتمی ایران در دستور کار عملیات روانی علیه ایران قرار دارد. این در حالی است که طبق گزارش‌های سازمان انرژی اتمی ایران بیشترین همکاری را با آژانس داشته و تا کنون انحرافی در برنامه‌های هسته‌ای ایران مشاهده نشده است.

نتیجه گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جهان غرب، امریکا و رژیم صهیونیستی، گسترش دامنه نفوذ انقلاب اسلامی را خطری برای منافع خود احساس کرد؛ از این رو، امریکا سعی کرد با ایجاد «گفتمان تروریسم دولتی» علیه جمهوری اسلامی ایران و با بهره گیری از ابزار رسانه ای به مقابله با گسترش آن برخیزد. امروزه تعصبات مذهبی و ایدئولوژی به دور از عقلانیت انگیزه بسیار مهمی برای تروریست ها شده است. بنیادگرایی افراطی مهمترین عامل تروریستی در دهه اخیر شده است. البته عوامل دیگری نیز در پدیده تروریسم موثر می باشد. مطالعات نشان می دهد که هر چه بی عدالتی و نابرابری در زمینه های مختلف اقتصادی، مذهبی، نژادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بیشتر باشد امکان بروز اعمال خشونت آمیز از جمله ترور بیشتر خواهد شد.

در سوم مهرماه ۱۳۸۰ (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱) آمریکایی ها ۲۷ گروه مرتبط با بن لادن و طالبان را منتشر کرده و حضورشان را در منطقه خاورمیانه به مدت طولانی اعلام کردند و به نیت عملیات علیه کشورهای حامی تروریست به افغانستان و عراق لشکرکشی کردند. در واقع گفتمان تروریسم دولتی ایران با لشکرکشی به جهان اسلام آغاز شد که هدف اصلی آن را می توان، تثبیت نظام تک قطبی در جهان و معرفی آمریکا به عنوان پرچمدار مبارزه با تروریسم، تثبیت موقعیت رژیم صهیونیستی در خاورمیانه و سرکوب نهضت های اسلامی و معرفی ایران به عنوان حامی تروریسم و اتهام تروریسم دولتی به ایران جهت مقابله با آن بیان کرد.

ترور از نظر اسلام مطرود و ممنوع است و بنا به اصول صلح در اسلام، تروریسم محکوم می باشد. ترور در اسلام به معنای، فتک بکار می رود. فتک آن است که بر کسی یورش برده و او را با غافلگیری کشت. در آیه شریف «لا تقتلوا النفس التي...» (اسراء، ۳۳) کشتن افراد حرام شده است و یا آیه «من قتل نفس بغير نفس...» (مائده، ۳۲) یک ضابط قرآنی و فقهی برای حرمت ترور و بحث تروریسم می باشد. لذا ترور و تروریسم به عنوان یک مکتب و رویه ضد بشری ارماغان غرب، در اسلام هیچ وقت سابقه و جریان نداشته است.

نشانه های فراوانی در گفتمان ضد ایرانی با موضوع تروریسم وجود دارد که از جمله آنها می توان به: صدور انقلاب اسلامی به ملت های مظلوم جهان، حمایت از نهضت های آزادی بخش، تسخیر لانه جاسوسی

آمریکا در ایران به دست دانشجویان، صدور حکم اعدام سلمان رشدی، قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه رستوران میکونوس و تشکیل دادگاه در این خصوص بر ضد ایران، سقوط هواپیمای مسافربری آمریکا بر فراز شهر لایکرپی، حمایت از جنبش الحوثی یمن، حمایت از مردم و دولت سوریه، ترور بختیار، ترور سفیر عربستان در آمریکا، بمب‌گذاری کنار جاده‌ها بر سر راه سربازان آمریکایی و تکنولوژی انرژی هسته‌ای اشاره کرد.

۲۳

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

ایران خود قربانی تروریسم و جنایات تروریستی است از نظر آمریکا اخراج فلسطینیان از سرزمین خود و کشتار مردم بی‌دفاع فلسطین تروریسم نیست ولی مقاومت مردم در برابر اشغالگران صهیونیسم تروریسم است. زدن هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا تروریسم نیست ولی گرفتن جاسوسان آمریکایی تروریسم است. هزاران نفر از مردم ایران از کودک تا جوان و از جوان تا بزرگسال و پیرمرد اعم از زن و مرد، چه مسئول و چه غیرمسئول در طول ۳۳ ساله پیروزی انقلاب اسلامی قربانی وحشتناکترین اقدامات تروریستی شده‌اند. از ترور شهیدان رجایی (رئیس‌جمهور) و شهید باهنر (نخست‌وزیر) و شهادت وزیران و اعضاء کابینه، ترور شهید بهشتی و اعضاء حزب جمهوری و دهها روحانی و مجتهد و دانشمند در این کشور آماج عملیات تروریستی گروه‌های مختلف انحرافی و قدرت طلب بودند حتی رهبری این کشور نیز از انفجار تروریستی آسیب خورده است.

در پایان می‌توان گفت بر اساس تعالیم اسلام و ماهیت انقلاب اسلامی و رویه حاکمیت، جمهوری اسلامی ایران از ترور و تروریسم حمایت نکرده، هرگز این نوع اقدامات را به رسمیت نشناخته است، اما استکبار جهانی برای رسیدن به اهداف شوم و پرده‌افکندن بر جنایات و اقدامات تروریستی خود، عملیات روانی و فشار علیه جمهوری اسلامی را به راه انداخته است. تاکنون در مقابل تمام دروغ‌پردازی‌هایی که علیه جمهوری اسلامی شده است هیچ مدرکی دال بر دخالت دولت ایران در این اقدامات به اصطلاح تروریستی به مراجع معتبر بین‌المللی ارائه نشده است.

پیشنهادات

به منظور مقابله با هجمه رسانه‌ای و تبلیغاتی غرب و جبهه استکبار علیه انقلاب اسلامی ایران در برچسب اتهام زنی حمایت از تروریسم پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود.

۱- تبیین صحیح و منطقی ترور و تروریسم از منظر اسلام و تولید مقالات و اندیشه ناب اسلامی در

حرمت ترور و ترویج تروریسم.

حسین امانلو

۲- معرفی جنایات آمریکا و غرب در ترویج و حمایت از تروریسم و پشتیبانی از گروه‌های تروریستی به ویژه در سالهای اخیر که از گروه‌هایی مثل داعش و طالبان و ... انجام گرفت.

۳- انعکاس رسانه‌ای گسترده قربانیان تروریسم در ایران و اینکه ایران بزرگترین قربانی تروریسم با وجود ۱۷۰۰۰ شهید ترور از اول انقلاب تا به امروز است.

۴- پیگیری جدی حقوقی و قضایی جنایات تروریسم علیه مردم مظلوم ایران به ویژه از سوی منافقین.

۵- فعال شدن دیپلماسی سیاسی و متولیان امر در وزارت خارجه در سطح بین الملل و گفتمان سازی مبارزه ایران با تروریسم به ویژه در سالهای اخیر.

۶- نفی هرگونه شائبه تروریستی بودن حزب الله لبنان و حماس و مقاومت مردم یمن و ... و تبیین تفاوت دفاع با ترور.

۷- تولید محصولات و کالاهای رسانه‌ای و هنری در معرفی چهره تروریسم مدرن و اتفاقاتی که در سوریه و عراق و یمن و ... افتاده است.

۸- افشای مصادیق حمایت دولتهای تکفیری از گروههای تکفیری.

۹- پاسخ جدی و مستند به اتهامات وارده به ایران در حمایت از تروریسم و یا اقدامات تروریستی منتسب که مصادیق آن در متن پژوهش بازشماری شده است.

منابع

منابع فارسی:

- قرآن کریم
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- الموتی، مصطفی (۱۳۷۸)، *بازیگران سیاسی از مشروطیت تا سال ۱۳۵۷*، ج ۳، لندن.
- ای. جرجیس، فواز (۱۳۸۲)، *امریکا و اسلام سیاسی*، ترجمه سیدمحمد کمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۹)، «سرانجام حضور ناتو در افغانستان، برقراری امنیت و یا گسترش ناامنی و تروریسم»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، ش ۱۰، زمستان، صص ۵۴-۲۹.
- بی‌نا (۱۳۹۰)، «توطئه ترور سفیر عربستان و ادعای امریکا»، ترجمه محمدفرزاد ابراهیمی، دوماهنامه سیاسی راهبردی چشم‌انداز ایران، آبان و آذر، ش ۷۰.
- توکلی، یعقوب (۱۳۸۸)، *دو نظریه تروریسم و فداکاری در ایران*، تهران، سوره مهر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- رایس، والتر (۱۳۸۱)، *ریشه‌های تروریسم*، ترجمه سید حسین محمدی منجم، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۶۸)، *تفسیر نمونه*، ج ۴، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۹)، *تساهل و تسامح*، تهران، آفرین.
- جی. بدی، توماس (۱۳۷۸)، *تعریف تروریسم: نگرش علمی*، ترجمه سیدرضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۶.
- [امام] خمینی، روح‌اله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ساعد، نادر، (۱۳۸۹)، *منابع حقوق مبارزه با تروریسم در ایران*، تهران: خرسندی.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، *تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش*، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸، صص ۱۵۳-۱۵۵.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۰)، «*تقدی و سازانه بر مفهوم‌سازی گفتمان غربی از تروریسم در ایران*»
معاصر (مطالعه موردی پس از انقلاب)، به کوشش حمیدرضا اسماعیلی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- شاه‌علی، احمد رضا (۱۳۸۵)، *انقلاب دوم (تسخیر لانه جاسوسی امریکا، آثار و پیامدها)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شجاعی، کاوه (۱۳۸۶)، *انفجار در پرونده لاکربی*، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۴۰۱، ۱۱ تیر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۴)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۲)، *بازیگران عصر پهلوی*، تهران: نشر علم، ج ۲.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶)، *تروریسم‌شناسی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- فیرحی، داود (۱۳۸۷)، *«تروریسم، تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»*، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، ش ۳، دانشگاه تهران.
- کدخدایی، عباسعلی و ساعد، نادر (۱۳۹۰)، *تروریسم و مقابله با آن*، تهران، مجمع جهانی صلح اسلامی.
- مارش، دیوید و جری، استوکر (۱۳۸۴)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- محدثی، جواد (۱۳۷۵)، *مسلم بن عقیل*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۱)، *تروریسم و تفکیک آن از مبارزات آزادی‌بخش*، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی - دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
- منوچهری، عباس (۱۳۹۰)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت، چاپ سوم.
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، *«نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»*، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، ش ۲، بهار، صص ۹۱-۱۲۴.
- نجفی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳)، *جواهرالکلام*، ترجمه عباس قوچانی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی، سید حسین (۱۳۹۰)، *تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۰)، *سخنرانی در مراسم افتتاحیه همایش «تروریسم و دفاع مشروع از نظر اسلام و حقوق بین‌الملل»*، تهران: شورای عالی توسعه قضایی.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، *«نظریه گفتمان»*، ترجمه علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، ش ۲، دانشگاه باقرالعلوم.

منابع لاتین:

- Laqueur, Walter (2003), No end to war, terrorism in the 21st century, The countinuum publication.group ltd.

- Report to Congress (2009). "Progress toward security and Stability in Afghanistan", January.

۲۷

دو فصلنامه علمی-ترویجی

مطالعات

بیداری اسلامی

گفت‌وگوهای سازش غرب در بهره‌گیری از اتهام تروریسم دولتی علیه جمهوری اسلامی ایران

حسین امانلو